



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این شهر توسط طوس، یکی از قهرمانان شاهنامه فردوسی بنیاد نهاده شده و سرانجام در سال ۱۳۸۹ میلادی [ش. ۷۶۷ه. ش] پس از محاصره ای طولانی توسط میرانشاه پسر تیمورلنگ به خاطر فرونشاندن شورش که بر علیه قدرت پدرش بر پا شده بود با خاک یکسان شد و حدود ۱۰ هزار نفر از جمعیت شهر قتل عام شدند. تخریب طوس از یک طرف و جاذبه وجود حرم مطهر امام علیه السلام در سناباد، که موجب جذب بسیاری از جمعیت طوس شده بود، از طرف دیگر موجب پیدایش و توسعه امروزی شهر مشهد شد.

در سال ۱۰۳۷ میلادی [۴۱۵ ه. ش] در عهد سلطان مسعود غزنوی گنبد حرم مطهر ساخته شد و باروی شهر نیز در سال ۱۱۲۱ میلادی [۴۹۹ ه. ش] توسط سوری، حاکم نیشابور بنیان نهاده شد و در سال ۱۱۵۳ [۵۳۱ ه. ش] بارویی به منظور دفاع از شهر در مقابل تهاجم ترکان غز کشیده شد اما هشت سال بعد از احداث نتوانست در مقابل همین مهاجمین مقاومت کند و در نتیجه شهر تخریب شد اما به حرم مطهر آسیبی نرسید.

در سال ۱۲۹۶ میلادی [۶۷۴ ه. ش] بلافاصله بعد از جلوس غازان نواده ارشد هولاکوخان به تخت سلطنت، شاهزادگان تاتار بر علیه وی قیام کردند و یکی از آنان به نام داود^۱ پسر بوراه^۱ در میان شهرهای خراسان مشهد را غارت کرد.

یاقوت^{۱۱} [حموی] و ابن بطوطه که در سال ۱۳۳۴ میلادی [۷۱۲ ه. ش] به خراسان سفر کرده بودند این شهر را پر جمعیت ذکر می کنند. از محاسبات چنین بر می آید که مشهد حتی قبل از اتمام تخریب طوس نیز دارای اهمیت قابل ملاحظه ای بوده و علت آن نیز وجود قبر هارون الرشید به عنوان یک مکان زیارتی برای اهل تستن نظیر زیارتگاه شیعیان بوده است.

در سال ۱۴۱۸ میلادی [۷۹۶ ه. ش] سلطان شاهرخ در مشهد زیارتگاهی ساخت و حرم مطهر را با چهلچراغ طلا مزین ساخت و در همان سال وی شاهد اتمام مسجدی شد که همسرش گوهرشاد ساخته بود.

در سال ۱۵۰۷ [۸۸۵ ه. ش] در عصر حکومت شیبانی خان، از یک ها شهر را تسخیر و جمع زیادی از جمعیت آن را قتل عام کردند و در سال ۱۵۲۵ [۹۰۳ ه. ش] در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی مجدداً شهر توسط نیروهای ازبک محاصره و سپس به اشغال سپاهیان عبیدخان ازبک درآمد. شاه طهماسب در سال ۱۵۲۸ [۹۰۶ ه. ش] آن را باز پس

گرفت اما به علت عدم استحکام باروی شهر فقط پس از گذشت مدت دوسال توانست تسلط کامل خود را بر آن اعمال کند. محاصره بعدی شهر ناموفق ماند، اما حمله‌های محمدسلطان ازبک برای فتح شهر در سال ۱۵۴۴ [ش.ه. ۹۲۲] با موفقیت همراه گشت و بسیاری از جمعیت شهر قتل عام شدند.

در سال ۱۵۷۹ [ش.ه. ۹۵۷] و یک بار دیگر در سال ۱۵۸۱ [ش.ه. ۹۵۹] مرتضی قلی خان، حاکمی که دوسال پیش از آن توسط شاه اسماعیل دوم به حکمرانی منصوب شده بود، مقاومت ناموفقی را در برابر علیقلی خان که قیم شاه عباس جوان بود و بعد مقرر حکومتش را به قزوین منتقل کرد، انجام داد.

مهمترین فاجعه‌ای که تا این تاریخ موجب فتح شهر شد زمانی بود که مشهد پس از چهارماه محاصره سرانجام توسط سپاهیان عبدالؤمن خان حاکم بلخ در سال ۱۵۸۹ [۹۶۷ ه.ش] سقوط کرد. قتل عامی که به دنبال سقوط شهر انجام شد، حتی روحانیون و سادات راهم مستثنی نساخت. حرم مطهر غارت شد و ذخائر با ارزش و اشیاء گرانبهای آن توسط ازبکهای پیروز به یغما رفت. نه سال بعد پس از عقب نشینی ازبکان، شاه عباس مجدداً شهر را اشغال کرد و حرم مطهر را بازسازی کرد و با بهای الماس مشهوری که توسط قطب شاه دکن اهدا شده بود و در جریان غارت حرم به یغما رفته و بعداً توسط یکی از شاهزادگان ازبک بازگردانده شده بود، اراضی وسیعی را خریداری کرد.

در سال ۱۶۰۱ [۹۷۹] سلطان مزبور با احداث خیابان^{۱۲}، یا خیابان اصلی، شهر را زیباتر ساخت و اعقاب وی نیز با هدایایی به حرم مطهر یادگارهایی را از خود برجای گذاشتند.

بعد از یک دوره صلح و آرامش نسبتاً طولانی، در سال ۱۷۲۶ [ش.ه. ۱۱۰۴] مجدداً شهر گرفتار بلای جنگ شد، در عهد ملک محمود سیستانی که وی شهر را در سال ۱۷۲۲ [ش.ه. ۱۱۰۰] به اشغال خود درآورده بود، شهر برای مدت دومه در محاصره نیروهای شاه طهماسب دوم و فتحعلی خان قاجار قرار گرفت که در نهایت با ورود خائنه مهاجمین به داخل شهر، ملک محمود سیستانی نیز کشته شد.

بار دیگر در سال ۱۷۲۹ [ش.ه. ۱۱۰۷] نیروهای تازه نفس ابدال خانانی از

۱۲ - منظور از خیابان، خیابان اصلی و معروف مشهد می باشد که از فلکه دروازه قوچان فعلی تا حرم مطهر ادامه دارد

و هرجا که اصطلاح خیابان به کار برده می شود منظور همین خیابان است. م

هرات شهر را محاصره کردند. در این زمان نیروهای تحت فرماندهی ابراهیم خان برادر نادرقلی افشار از شهر دفاع می‌کرد که سرانجام سپاهیان خود نادر سر رسیدند و شهر را نجات دادند.

پس از یک دوره ۲۰ ساله مشهد یک بار دیگر وارد دورانی پرتلاطم شد. زیرا در سال ۱۷۴۹ [ش. ۱۱۲۷ ه. ش] میرزا سیدمحمد متولی باشی حرم مطهر، ناجوانمردانه شاهرخ میرزا را ربوده و وی را نابینا ساخت و خود را با عنوان شاه سلیمان، سلطان خواند که سرانجام وی نیز به انتقام رفتار با شاهرخ به سرنوشت وی دچار شد و نابینا شد.

بعد از جلوس مجدد شاهرخ به سلطنت، به جبران خسارات وارده یک بار دیگر حرم مطهر توسط نصرالله میرزا و نادر میرزا مورد غارت قرار گرفت. پس از فتح مشهد به دست احمد شاه ابدالی حاکم هرات، شاهرخ در حکومت مشهد ابقاء شد تا سرانجام در سال ۱۷۹۶ [ش. ۱۱۷۴ ه. ش] توسط آغا محمدخان قاجار از حکومت خلع شد. طی این مدت از رونق شهر به خاطر تهاجمات پیاپی ترکمن‌ها تا حد زیادی کاسته شد و جمعیت شهر از ۶۰ هزار نفر به ۲۰ هزار نفر کاهش یافت.

در سال ۱۸۰۲ [ش. ۱۱۸۰ ه. ش] نادر میرزا در مقابل تهاجم نیروهای قاجار به مشهد ایستادگی می‌کرد. وی برای تهیه تدارکات جنگ دوباره قصد چپاول ذخائر حرم مطهر را داشت که اقداماتش به نتیجه‌ای نرسید و سرانجام دستگیر و به تهران فرستاده شد و در آنجا به دستور فتحعلی شاه کشته شد.

سلطان ۱۳ جدید در سال ۱۸۱۸ [ش. ۱۱۹۶ ه. ش] از شهر مشهد بازدید کرد و صحن جدید حرم مطهر را به نام صحن نوبنا نهاد.

در فاصله سالهای ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۸ [۱۲۰۳-۱۲۰۶ ه. ش] مشهد و حومه آن مورد تاخت و تاز سپاهیان خان خیوه قرار گرفت که سرانجام نیروهای ایرانی تحت فرماندهی عباس میرزا، ولیعهد، امنیت آن را تأمین کردند و تقریباً برای مدت ۲۰ سال آرامش نسبی برقرار شد تا این که غائله حسن خان سالار در سال ۱۸۴۷ به وقوع پیوست. حشمت الدوله که مأمور سرکوبی غائله شده بود شهر را اشغال کرد اما ناگهان با مقاومت و شورش مردم شهر روبرو شد که در نتیجه ۷۰۰ نفر از قوای دولتی کشته شدند. سختی و [قحطی] مردم را سخت

در فشار گذاشت تا سرانجام پس از دو سال مقاومت بر علیه سالار شورش کردند و سالار پس از فرار در حرم مطهر متحصن شد اما دستگیر شد و به دستور شاه کشته شد. در طی ۵۰ سال آخر قرن ۱۹ مشهد به کرات مورد بازدید سلاطین حاکم قرار گرفت و اما کن و تزیینات جدیدی به تأسیسات حرم مطهر اضافه گشت.

در سال ۱۸۶۸ [۱۲۴۶ ه. ش.] بیماری وبا بشدت شیوع یافت که در پی آن قحطی همه خطه خراسان را فرا گرفت. اقدامات تدافعی در برابر حملات خودسرانه ترکمن ها، تا زمان غلبه روس ها بر این راهزنان در سال ۱۸۸۰ [۱۲۵۸ ه. ش.] در گوک تپه، با موفقیت همراه نبود و از آن تاریخ به بعد مدافعات شهر در مقابل یورشها دچار شرایط ویرانگر کنونی شد. در سال ۱۸۹۲ وبا مجدداً در شهر شیوع یافت و در سال ۱۹۰۴ [۱۲۸۲ ه. ش.] نیز این بلیه جان ۸۰۰۰ نفر را گرفت.

بر طبق عهدنامه ۱۹۰۷ روس-انگلیس بیشتر خطه خراسان به اضافه مشهد جزو منطقه نفوذ روسیه شد و از آن تاریخ به بعد روسیه بیش از قبل سعی کرده است موقعیت خود را در آن تثبیت کند. انقلاب ملی ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ [۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ ه. ش.] و نتایج حاصله از آن بهانه ای به دست روسها داد که تعداد زیادی از نیروهای خود را به خراسان گسیل دارند. مشهد یکی از مراکز ملیتون بود و تعداد گاردهای کنسولگری روس در آوریل ۱۹۰۹ [۱۲۸۷ ه. ش.] به بیش از ۷۵ قزاق افزایش یافت. در ژوئن همان سال به بهانه وجود اغتشاشات تازه تعداد ۱۰۰ قزاق دیگر به مشهد اعزام شدند.

در جولای ۱۹۱۱ [۱۲۸۹] مشهد درگیر مسأله بازگشت شاه مخلوع^{۱۴} شد و پرنس دبی جا^{۱۵} جنرال کنسول روس در خراسان تقاضای اعزام نیروهای بیشتری کرد. در ژانویه ۱۹۱۲ [۱۲۹۰ ه. ش.] دو گردان از تفنگداران ترکستان و ۴ ستون از قزاق ها و واحدهای توپخانه به قوچان و مشهد اعزام شدند. شورشهایی که در مشهد ادامه می یافت بایستی به تحریک چند آژانس نیرومند خارجی باشد و در ۳۰ مارس ۱۹۱۲ [۱۲۹۰ ه. ش.] با بمباران مسجد مقدس و حرم مطهر توسط نیروهای روس اغتشاش به اوج خود رسید. زوآر

۱۴ - منظور محمدعلی شاه قاجار است که پس از خلع از سلطنت به روسیه تبعید شد اما پس از چندی از طریق دریای خزر وارد ترکمن صحرا شد تا شاید بتواند با کمک ایل قاجار دوباره سلطنت را به دست آورد اما از نیروهای ایرانی شکست خورد و دوباره به روسیه گریخت و از طرف دولت ایران مقرر ماهانه وی نیز قطع شد. م

ایرانی زیادی در اثر بمباران کشته شدند و به علت اشغال دوروزه حرم توسط سپاهیان روس خرابی و خسارات زیادی به بار آمد. تجاوز به حرم مطهر و تخریب مسجد معروف [گوهرشاد] نفرت عظیمی در مسلمانان جهان [نسبت به روس‌ها] به وجود آورد. اما این احساس به زودی فروکش کرد و روس‌ها به اعتراضات اعتنایی نکردند.

بعد از حادثه بمباران، مشهد مدتی نسبتاً طولانی در آرامش به سربرد و در نتیجه روسها در آگست ۱۹۱۲ [۱۲۹۰ ه. ش.] تعداد مختصری از نیروهایشان را در خراسان کاهش دادند اما هنوز بیش از ۱۰۰۰ نفر، شامل ۸۵۰ نفر در مشهد و ۲۵۰ نفر در قوچان، باقی ماندند و این در حالی بود که چندپست نظامی در نیشابور، کاریز (در منطقه بی طرف) و در امتداد جاده مشهد به عشق‌آباد تأسیس کرده بودند. در ماه آگست پرنس دبی جا [جنرال کنسول روس در مشهد] به استناد یک گواهی پزشکی به روسیه فراخوانده شد.

مشخصات شهر مشهد

شهر مشهد به طور متوسط حدود ۱۰ مایل طول و ۱ مایل عرض [۲/۴ و ۱/۶ کیلومتر] دارد و با یک باروی گلی نامنظم با محیط تقریبی ۶ مایل [۹/۶۵ کیلومتر] محصور شده است.

استحکامات دفاعی شهر

محیط باروی شهر تقریباً دایره شکل است و در زوایای بارو، سنگرهای نظامی به شکل برجهای گلی منور و در فواصلی در امتداد بارو، برجهای کوچکتری ساخته شده است. قسمت پایه بارو ۹ پا [۲/۸ متر] و تاج آن ۴ پا [۱/۲۲ متر] ضخامت دارد و «پای بارو خندق کوچکی حفر شده و در قسمت تاج آن سنگرهای کوتاهی احداث شده است. خندقی گود و عریض نیز در اطراف بارو حفر شده که در حال حاضر به علت تأثیر عوامل جوی و بی توجهی فرسایش یافته و سنگرهای نظامی نیز تخریب شده و از بسیاری قسمتهای آن انسان و در بعضی از جاها حتی اسب هم می تواند عبور کند. این در حالی است که خندق در بسیاری از جاها به طور چشمگیری از بین رفته و ابعاد اصلی آن فقط در دروازه ارگ قابل مشاهده است. در این نقطه خندق نهر پرآبی جاری است که می توان بر روی آن بند بزرگ و مستحکمی احداث کرد. جاده صعب العبوری هم در اطراف آن کشیده شده است.

دروازه‌ها

باروی شهر دارای ۶ دروازه ورودی به شرح زیر است:

نام دروازه	محل احداث	نام دروازه	محل احداث
بالاخیابان	شمال غرب شهر	عیدگاه	جنوب
سراب	غرب	پایین خیابان	جنوب شرق
ارگ	جنوب غرب	نوغان	شمال شرق

به منظور بازرسی و وصول عوارض کالاهای وارداتی به شهر در دروازه‌های عیدگاه و بالاخیابان پستهایی دایر شده و ورود کالاها از سایر دروازه‌ها ممنوع است.

عملیات ساختمان دروازه هفتم نیز در حد فاصل بین دروازه سراب و دروازه ارگ به منظور دریافت عوارض در آینده‌ای نزدیک شروع خواهد شد و درعین حال بانک روس دروازه‌ای در سمت جنوب غرب در مقابل دروازه‌های ارگ و عیدگاه احداث کرده که در نتیجه ارتباط آنها را با اماکن مسکونی جدید واقع در تقی آباد که در باغ محصور در فاصله تقریبی $\frac{1}{4}$ مایلی [۸۰۰ متری] جنوب غربی شهر واقع شده فراهم می‌کند.

محله‌ها (برزن)

مشهد به ۷ محله به شرح زیر تقسیم شده است:

۱- بالاخیابان، ۲- نوغان، ۳- پایین خیابان، ۴- عیدگاه، ۵- سرشور، ۶- سراب (به استثنای محله سرشور که در حد فاصل محله عیدگاه و حرم مطهر و ارگ قرار دارد و منطقه اصلی بازار را در برمی‌گیرد، همه محلات فوق در حول و حوش دروازه‌های همنام خود واقع شده‌اند.)

۷- محله چهارباغ واقع در مرکز شهر، در جنوب شرقی محله سراب و بین محله اخیر و بست واقع شده و تلگراف خانه و یک شعبه از اداره پست و دفاتر نمایندگی حمل و نقل کالا در این محله واقع شده‌اند.

خیابان^{۱۶}

خیابان را می‌توان مشخصترین منظره نقشه‌زمینی شهر دانست که از شمال غرب شهر

۱۶- منظر همان بالاخیابان است که در سطور گذشته توضیح داده شد. م.

تا گوشه جنوب شرق آن امتداد می یابد. تمام طول آن اندکی کمتر از ۲ مایل [۳ کیلومتر] و عرض متوسط آن ۲۵ یارد [۲۳ متر] است. سطح خیابان با سنگ فرش شده و قدری پایینتر از نیمه خیابان نهر آبی جریان دارد که آب آن برای هر منظوری که بتوان فکرش را کرد، مورد استفاده ساکنین شهر قرار می گیرد و درحاشیه آن درختانی از نوع چنار، توت، نارون و تبریزی با فواصل نامنظم غرس شده است. علاوه بر این دو طرف خیابان با یک ردیف تیرهای فرسوده چراغهای روشنایی و مغازه های مختلف تزئین شده است. در طول روز و در ساعات کسب و کار این خیابان مملو از جمعیت، از طبقات مختلف، از اهالی شهر و یا زواری است که وارد شهر شده اند. لکن به علت عرض کم خیابان تقریباً $\frac{1}{2}$ طول آن تا انتهای شمال غرب با میزان رفت و آمد انبوه جمعیت متناسب نیست و درعین حال یک گذرگاه سر پوشیده، محدوده حرم و اماکن موقوفه و بست را از یکدیگر جدا می سازد. از این گذرگاه به جز مسلمانان و حیوانات بارکش، بقیه مردم و وسایل نقلیه دیگر اجازه عبور و مرور ندارند. اجرای این مقررات به قدری جدی است که اگر حیوانی وارد منطقه ممنوعه شود به نفع دارایی بیوتات حرم مطهر مصادره می شود. همه رفت و آمدها در این جا اجباراً به کوچه های باریکی که محله اماکن مقدسه را دور می زند رانده می شود که از آن جا مجدداً به سمت خیابان که در جنوب شرقی بست واقع شده هدایت می شود.

بست و حرم مطهر

قبل از این که به بررسی اوضاع عمومی شهر بپردازیم شاید بهتر باشد که ابتدا توضیح مختصری در مورد اماکن مقدسه و صحن و یا خود حرم مطهر داده شود. شکل مکان اخیر متوازی الاضلاعی است که درازای آن در جهت شرقی و غربی است و تمام اطراف آن توسط فضای بست و اماکن مقدسه اشغال شده و کل مساحت آن چیزی در حدود $\frac{1}{4}$ مایل مربع [تقریباً ۶۵ هکتار] است.

بلافاصله بعد از نرده های «خیابان» این مسیر در حدود ۱۰۰ یارد یا بیشتر به داخل بازار شلوغ و مقابل درب اصلی مساجد امتداد می یابد. زائر می تواند محل اسکان و فروشگاههایی را برای تهیه نیازهایش، در داخل محدوده بست، پیدا کند. اجاره این مغازه که طالبین زیادی دارند از مغازه های مشابه خارج از منطقه بیشتر است و بنابراین اجناسی که در آن به فروش می رسد گرانتر است. زمینهای این منطقه جزء دارایی امام محسوب می شود و

مسلمانان مجرم و جنایتکار تا وقتی که در داخل محدوده به صورت تحصن سکنی دارند از لحاظ نظری امنیت دارند اما عملاً چنین نیست. در انتهای بازار بست، گذرگاه سر پوشیده مرتفعی دیده می شود که به صحن کهنه که محوطه اصلی بیوتات متبرکه است، ختم می شود. این مکان مربع شکل حدود ۱۵۰ یارد طول [۱۳۷ متر] و ۷۵ یارد عرض [۶۸/۵ متر] دارد که کف آن با سنگ قبر مردگان ثروتمند فرش شده و دورتادور آن با بالکنهای دوطبقه طاقچه دار احاطه گردیده است. در وسط محوطه یک اتاقک کوچک ۸ گوشه با منبع آبی که آب آن از کانال اصلی خیابان تأمین می شود ساخته شده، این منبع که با مجرای سنگی احاطه گردیده، به دستور شاه عباس ساخته شده است. به علت آلوده شدن آب نهر که از میان شهر می گذرد، به دستور نیرالدوله والی خراسان کانال دیگری در امتداد کانال اصلی با چهار حوضه در کنار منبع قدیمی، به منظور تأمین آب پاک برای وضوی مؤمنان، ساخته شده است. در چهار طرف محوطه صحن، دیوارهای بین و بالای طاقچه ها با کاشیهای معرق پوشیده شده و در وسط هر کدام از آنها یک ایوان باشکوه و عظیم بنا شده که با کاشیهای زیبایی مزین شده و آیاتی از قرآن مجید با خط کوفی در قسمت بالای آن نگاشته شده است. در کنار ایوان شرقی^{۱۷}، درب ورودی^{۱۸} حرم مطهر دیده می شود و نقش و اهمیت آن با پوشش صفحاتی از طلا که نیمه بالای آن را دربر گرفته نمایانده شده است.

صحن دارای دو مناره است که مناره قدیمتر به دستور شاه اسماعیل یا شاه طهماسب صفوی ساخته شده و پایه آن در داخل خود حرم قرار گرفته است. قسمت بالای این مناره ها با صفحات مس طلا پوشانده شده است و قسمت انتهای فوقانی آن به اتاقک^{۱۹} قفس مانندی به سبک معمول در ایران ختم می شود.

لکن باید اذعان داشت که با شکوهترین بخش این قسمت خود مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام است. آرامگاه در تالار وسیعی قرار دارد که کف سنگ مرمری آن با قالیهای نفیس مفروش است. در قسمت بالای آن در ارتفاع تقریبی ۷۷ پا [۲۳/۵ متر] گنبد اصلی دیده می شود که سطح خارجی مطلای آن در اولین برخورد نظر زائر را جلب می کند. دیوارها با کاشیهای معرق تزیین شده که در قسمت بالای آن نوار پهنی از همان کاشیها با

۱۷ - ایوان غربی صحیح است. م

۱۸ - منظور ایوان طلای صحن کهنه امروزی می باشد.

۱۹ - منظور مأذنه های بالای مناره هاست.

خطوط عربی مشاهده می شود و قطعات زیادی جواهر بسیار گرانبها از آن آویخته شده است. خود آرامگاه در گوشه ای از تالار قرار گرفته اما قسمت وسط آن را قبر نوسازی شده هارون الرشید اشغال کرده است. دور مرقد مطهر را ضریحی از جنس فولاد، نقره و طلا احاطه کرده است. سه درب ورودی به داخل حرم بازمی شود که یکی نقره است و دومی که هدایی فتحعلی شاه قاجار می باشد با صفحاتی از طلا پوشانده شده و روی آن با سنگهای گرانبهایی تزیین شده و سومی فرشی است که با مروارید بافته شده است. بعد از به قدرت رسیدن سلسله صفوی و از بین بردن قبر هارون الرشید هیچ نشانه ای برای تشخیص آن برجای نمانده است.

در گوشه جنوب غربی^{۲۰} صحن کهنه، صحن نو یا محوطه جدید واقع شده که در سال ۱۸۱۸ میلادی [۱۱۹۶ ه.ش] به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شده است.

در سمت جنوب مرقد مطهر امام رضا (ع) و قدری مایل نسبت به آن مسجدی که توسط گوهر شاد^{۲۱} ساخته شده، واقع است. این بنا همانند حرم مطهر دارای صحن وسیعی است که تمام اطراف آن را حجره های تورفته دو طبقه، ایوانهای مرتفع کاشی کاری شده و دومناره عظیم مطلا نشده، که با کاشیهای آبی و سبز و نارنجی پوشیده شده، احاطه شده است.

در محل مدخل صحن کهنه «مدرسه» یا کالج مذهبی بنا نهاده شده که توسط حاج میرزا جعفر، بازرگان ثروتمند ایرانی ساخته شده و سبک معماری و نمای ظاهری آن شبیه مسجد [گوهر شاد] و حرم مطهر می باشد.

علاوه بر این در این محوطه، به شکل متوازی الاضلاع، مدارس دیگر، محوطه ها، کاروانسراها، گرمابه ها، آشپزخانه ها و یک باب زندان زیر نظر متولی باشی، یک بیمارستان و یک غذاخوری عظیم دیده می شود که زوّار [بی بضاعت] به مدت ۳ روز به هزینه امام به طور مجانی اطعام می شوند.....

کتابخانه حرم مطهر که تاریخ تأسیس آن به عهد شاه خاخرخ شاه تیموری می رسد، شامل ۳۰۰۰ جلد کتاب است که تقریباً ثلث آن را انواع قرآنهای خطی نفیس تشکیل می دهد.

امروزه همه اماکن متعلق به حرم مطهر با چراغهای برق روشن می شود که کارخانه آن

۲۰ - جنوب شرقی درست است. م

۲۱ - گوهر شاد خاتون همسر شاه خاخرخ شاه تیموری پسر امیر تیمور لنگ می باشد. م

در سال ۱۸۹۳ میلادی [۱۲۷۱ هـ ش] تأسیس شده است.

اداره حرم مطهر: در مشهد یک نظام حکومتی منحصر به فرد حکم فرماست، که یکی قدرت اداری غیرروحانی والی ایالت است که از طرف شاه برگزیده می شود و دیگری قدرت روحانی متولی باشی است که سرپرست حرم مطهر است و سخنگو و نماینده امام است. قلمرو قدرت متولی باشی، منحصرأ در داخل بست و با وظایف معینی می باشد. چرا که دوگانگی قدرت حتی در قلمرو داخلی حرم نیز به چشم می خورد. یکی از این دو قدرت داخلی مربوط به نوادگان حضرت امام رضا علیه السلام و سرسلسله سادات رضوی است که به صورت موروثی عهده دار نقش قائم مقامی بوده و همیشه ناظر بر عملکرد متولی باشی که در واقع مسئول اجرایی و رئیس شورا است، می باشد.....

انتصاب متولی باشی از اختیارات شاه است و این منصب حقوق ثابت و معینی ندارد. این منصب الزاماً مختص به یک فرد روحانی نیست و نفوذ و اقتداری که معمولاً از طرف این مقام اعمال می شود تقریباً همطراز با قدرت روحانیت است و گاهی حتی از قدرت والی ایالت نیز بیشتر است. در بعضی از شرایط هر دو مقام در یک پست واحد ادغام می شوند. برای اولین بار در سال ۱۸۴۵ این عمل انجام گرفت و در سالهای بعد نیز این تجربه یک بار تکرار شده است.

عده ای در حدود ۲۰ نفر مجتهد یا روحانی عالی مقام و تقریباً به همین تعداد صاحب منصب عالی رتبه در حرم وجود دارد. برای انجام خدمات مربوط به حرم هر روز پنج کشیک و یا تغییر پست وجود دارد که هر کشیک به نوبت پست را تحویل می گیرد. یک سرکشیک یا سرپرست که معمولاً یکی از صاحب منصبان حرم می باشد، نوبت کشیک را اداره می کند که با مأمورین رده های پایین و نگهبانان یک گروه ۱۷۰ نفری را تشکیل می دهند.

عایدات حرم مطهر: تقریباً ۹۵٪ درآمد از محل نذورات، مال الاجاره اراضی و مستغلات و ۵٪ بقیه از طریق درآمد حق الدفن مردگان و سایر امور، که رقمی در حدود ۱۰۰ هزار تومان می شود، تأمین می گردد. هزینه جاری روزانه معادل این رقم و گاهی بیشتر از آن است. گفته می شود که درآمد حاصله [نامرئی] از خدمات افراد بی نیاز و افتخاری رقم بسیار بالایی را تشکیل می دهد..